

۱۵ ۸۴

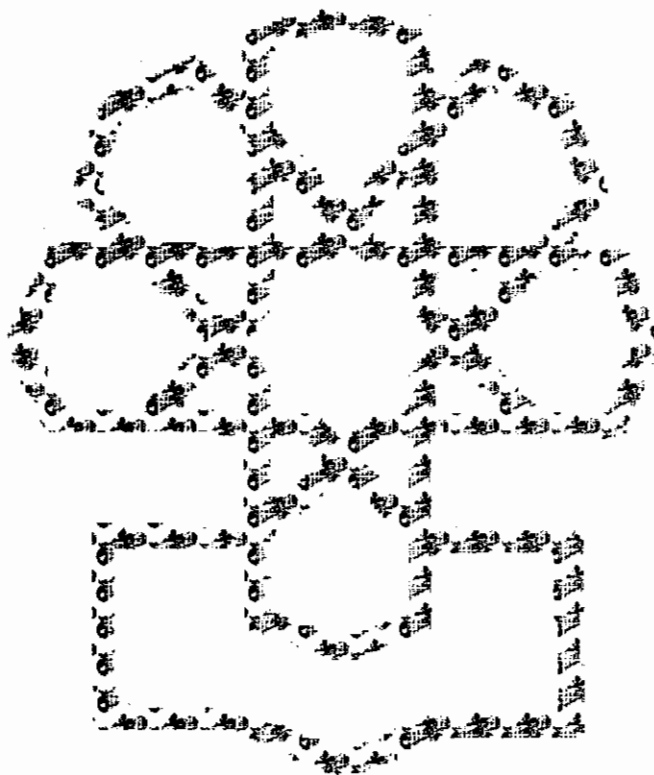


۲۹۵۵



مروری بر تبصره ۲۹ در خصوص مسائل ارزی

درباره لایحه بودجه ۷۷ - شماره (۳۸)



معاونت پژوهشی
آذرماه ۱۳۷۶

کار: دفتر بررسی‌های اقتصادی

کد گزارش: ۱۶۰۲۹۶۶

نکات کلی در مورد تبصره‌های ارزی در گزارش سال گذشته لوایح بودجه شماره (۱۷) به شماره ۱۶۰۱۹۷۱ قبلاً ارائه شده است که برخی از مفاد آن هنوز تازه و قابل بررسی و تعمق می‌باشد؛ لذا از ذکر مجدد آن مطالب خودداری می‌شود.

تبصره ۲۹ لایحه بودجه سال ۱۳۷۷ مهم‌ترین تبصره ارزی مندرج در این لایحه می‌باشد. با توجه به مفاد این تبصره نکات زیر حائز اهمیت هستند که اشاره‌ای به کلیات موضوعات مرتبط می‌گردد:

- در بند (ب) - ۱، دولت مکلف شده است که در صورت افزایش درآمد ارزی بیش از میزان پیش‌بینی شده آن را صرف افزایش ذخایر ارزی خارجی یا بازپرداخت بدهی و تعهدات خارجی نماید و معادل هم‌ارز ریالی مازاد مزبور را به سقف اعتبار ردیف ۷۰۱۲۱۲ اضافه کند. در ردیف اخیر رقم ۲۷۵۷ میلیارد ریال اعتبار به عنوان بازپرداخت بدهی‌های دولت به بانک مرکزی در نظر گرفته شده است. لذا مفهوم این بند از تبصره ۲۹ به معنی این است که در صورت افزایش درآمد ارزی دولت موظف به نوعی پس‌انداز (پرداخت بدهی‌های ریالی قبلی خود) می‌باشد که با توجه به شرایط فعلی اقتصاد ایران بسیار پس‌اندیده می‌نماید.

- در بند (ج)، جریان ریالی بازپرداخت تعهدات خارجی از طرق مختلف نظیر اعتبارات منظور در قانون بودجه سال ۱۳۷۷، مابه‌التفاوت دریافتی بابت اعتبارات اسنادی گشایش یافته با نرخ‌های کمتر از نرخ ارز شناور «۱۳۷۶» در سال‌های قبل برای واردات کالاهای سرمایه‌ای تولیدی و وجوه دریافتی بابت پیش‌دریافت اعتبارات اسنادی سال ۱۳۷۷ انجام خواهد شد. در قسمت اعتبارات ردیف‌های متفرقه ردیف ۷۰۱۲۱۱ مربوط به بازپرداخت وام‌های خارجی و تعهدات رقم ۳۱/۷ میلیارد ریال اعتبار برای این منظور در نظر گرفته شده است.

از طرفی میزان اعتبارات اسنادی گشایش یافته سال‌های قبل که با نرخ‌های ارز بسیار پایین ۷۰ و ۶۰۰ ریال صورت پذیرفته است نیز رقم چندان قابل ملاحظه‌ای را تشکیل نمی‌دهد که در مجموع بتواند حدود ۳۷۵۳ میلیارد ریال افزایش حساب ذخیره تعهدات ارزی دولت در سال ۱۳۷۷ را بپوشاند. لذا به نظر می‌رسد باید میزان اعتبار ردیف ۷۰۱۲۱۱ را افزایش داده تا سبب افزایش حجم نقدینگی از طریق افزایش بدهی دولت و سیستم بانکی از کانال بسط حساب ذخیره تعهدات ارزی نشود. به عبارت دیگر این مسئله یک نوع پیشگیری از افزایش حساب ذخیره تعهدات دولت بوده و از طرفی کانال پنهان این حساب را که عملاً به مثابه کسری بودجه دولت می‌باشد مسدود می‌نماید.

با توجه به این که این تبصره پلی مابین سیاست‌های پولی، ارزی و مالی است درج این نکته در اینجا لازم به نظر می‌رسد که وصول مطالبات بانک مرکزی و سیستم بانکی از بخش دولتی بالاخص شرکت‌های دولتی مورد توجه قرار گیرد و تعهدات مشخصی برای بخش دولتی معین شود که بدهی‌های قبلی خود را به سیستم بانکی بازپرداخت نماید؛ زیرا همه ساله میزان زیادی از این گونه بدهی‌ها توسط شرکت‌های دولتی ایجاد

می شود که جزء ارقام بلاوصول و غیر قابل وصول محسوب می گردند و هیچ مکانیزی برای بازپرداخت این بدهی ها به سیستم بانکی پیش بینی نشده است. در مورد بخش خصوصی و آن هم بابت واردات قبلی کالاهای سرمایه ای تولیدی در بند (ج) - ۴ تصریحاتی شده است ولی در مورد اخذ بدهی های قبلی شرکت های دولتی الزام جدیدی وجود ندارد.

- در بند (د) قیمت نفت صادراتی ایران حدود بشکه ای ۱۷/۵ دلار در نظر گرفته شده است.

$$17/5 = 2,425,000 \div (15,489,700,000 \div 365)$$

مبنای صادرات نفت خام ۲۴۲۵ هزار بشکه در روز برآورد شده و در مقایسه با رقم صادرات نفتی پیش بینی شده توسط این مرکز که ۲۳۵۱ هزار بشکه در روز گزارش شده است، ۷۴ هزار بشکه در روز بیشتر می باشد. بنابراین احتمالاً اعتبار منظور شده در بند (د) - ۲ تحقق نخواهد یافت.

- بند (د) - ۵، اشاره به معاملات تهاتری وزارت نفت دارد از لحاظ اصولی معاملات پایاپای کالا به کالا سبب ایجاد عدم کارایی های مختلفی در اقتصاد می شود. از طرفی شفاف کردن این گونه معاملات در اسناد مالی به سادگی صورت نمی پذیرد. بسیار مناسب خواهد بود که این معاملات همگی به صورت معاملات متدوال صورت پذیرد. رقم اشاره شده برای معاملات تهاتری در این بند حدود ۱ میلیارد دلار برآورد می شود که قابل اغماض نیست.

- بند (د) - ۶، برخورد بسیار مناسبی با تولیدکنندگان فرآورده های نفتی داخلی است. به عبارت دیگر حسن این برخورد در ملاک قرار دادن قیمت های بین المللی برای فروش نفت خام و خرید فرآورده های نفتی از تولیدکنندگان داخلی است. چنانچه این رویه استفاده از قیمت های بین المللی در مورد سایر کالاها حتی کشاورزی مانند گندم و ... نیز استفاده شود به شدت سبب کارایی بخش های تولیدی اقتصاد خواهد گردید. چنانچه این بند نسبت به سایر محصولات شرکت های تولید فرآورده های مرتبط همانند پتروشیمی تعمیم یابد، سبب تحول عمده ای در سمت عرضه آنها خواهد شد.

- بند (ط)، قدم بسیار مثبتی در جهت تخصصی کردن دستگاه هاست. در شرایط فعلی بسیار دیده می شود که برخی از دستگاه ها اقدام به فعالیت های بازرگانی و تجاری داخلی و خارجی نموده تا از این طریق به نحوی کسب درآمد نمایند. جلوگیری از این گونه فعالیت ها سبب خواهد شد تا هر دستگاهی برای هدفی که براساس آن ایجاد شده است فعالیت نماید.

- بند (م)، وسعت عمل ارزی زیادی را در پیش رو قرار می دهد. به عبارت دیگر این بند مبین این است که حداقل رقم ۳۰۰۰ ریال نرخ ارز صادراتی برای هر دلار، جهت حصول درآمد مندرج در ردیف ۴۲۰۵۰۰ به میزان ۱۱۸۲۲/۷ میلیارد ریال با توجه به شرایط مختلف بازار ارز قابل تغییر است. چنانچه نرخ فروش دلار در همان حدود ۳۰۰۰ ریال در نظر گرفته شود حدود ۴ میلیارد دلار برای این منظور در نظر گرفته شده است که حدود ۲۵ درصد کل درآمدهای نفتی پیش بینی شده است. ترزیق این مقدار ارز به بازار برای تأمین نیازهای ضروری مواد اولیه و قطعات یدکی صنایع و کالاهای سرمایه ای و واسطه ای و دیگر نیازهای اساسی جامعه و تأمین ارز کالاهایی که موجب افزایش تولید کالاهای صادراتی می گردد به معنی این است که یارانه زیادی به واردات این گونه کالاها تعلق گرفته است. این یارانه با توجه به تفاوت قیمت ۳۰۰۰ ریال دلار صادراتی از ۵۰۰۰ ریال بازار غیررسمی، حدود رقم ۸۰۰۰ میلیارد ریال را تشکیل می دهد که یارانه غیر

مستقیمی است که به ردیف‌های کالاهای فوق پرداخت می‌شود. ذکر این سؤال در اینجا لازم است که آیا تزریق این مقدار ارز سبب افزایش همین مقدار درآمد ارزی ناشی از صادرات غیرنفتی خواهد شد یا خیر؟ کل دریافت‌های ارزی از محل صادرات غیرنفتی در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ در هر دو سال حدود ۳/۲ میلیارد دلار بوده است. رقمی که حدود ۴ میلیارد دلار برای فروش ارز از تقسیم رقم ۱۱۸۲۲ میلیارد ریال به رقم ۳۰۰۰ ریال به دست آوردیم یک برداشت خوش‌بینانه از این موضوع بود. چنانچه رقم ۱۷۵۰ ریال نرخ دلار رسمی را در محاسبات استفاده نمایند مرز دیگری به دست خواهد آمد که نزدیک به ۶/۸ میلیارد دلار خواهد بود. به هر حال هرگونه رقمی در حدود به دست آمده از ۴ تا ۶/۸ میلیارد دلار رقم کمی نیست. در مورد رقم اخیر میزان سایه‌ای سوبسید پنهان حدود ۱۳۵۰۰ میلیارد ریال خواهد شد. با توجه به این که ارقام و آمار دقیقی از جزئیات این محاسبات ارائه نمی‌شود لذا بحث را در حدود همین کلیات ارائه می‌نماییم.

با توجه به بند (ب) - ۴ و مفاد بند (م) می‌توان استنباط نمود که سیاست‌های ارزی دولت بر اساس شرایط متفاوت می‌تواند تعدیل شود و سیاست مشخصی از سوی دولت در این ارتباط پیگیری نشده است.